

جالی پستیچی و نامه‌های سال نو



تصویرگر: جانت البرگ

نویسنده: الن البرگ

ویراستار: مژگان کلهر

مترجم: شیدا رنجبر

کتاب‌های اعزانی



یک روز بیشتر به سال نو نمانده بود و همه جا از برف، سفید شده بود.
جالی پستیچی (می شناسیدش که!) سوار بر دوچرخه‌اش از همان راه
همیشگی آمد؛ با کیفی که مثل همیشه پُر از نامه‌های جالب بود.

اولین جایی که رفت، کلبه‌ی چهار خرس* بود.



* اشاره به داستان گلدی لاکس و سه خرس که در آن گلدی لاکس وارد
خانه‌ی سه خرس می‌شود. حلیم آن‌ها را می‌خورد و صندلی بچه خرس
کوچولو را می‌شکند و وقتی خرس‌ها سر می‌رسند؛ گلدی لاکس فرار می‌کند.
(اما حالا چون برادر کوچک‌تر خرس کوچولو به دنیا آمده، چهار تا شده‌اند.)